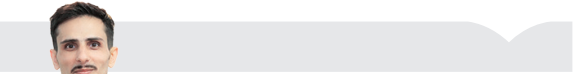


ترانه‌عیدوستی

باز هم با انتخاب رادیکالیسم

به جامعه هنری ضربه زد

من ترانه‌ه سال دارم!



میلاد جلیل‌زاده

هنرمند گروه فرهنگ

شما هم نظر بدهید خانم عیدوستی... سیاست یک عرصه عمومی است و همه حق دارند به آن وارد بشوند و اتفاقاً همه چیز زندگی ما سیاسی است و همه باید سیاسی باشند. فرقه‌های و دودوزبازی بد است ولی غیرسیاسی بودن نهنتها ارزش نیست، بلکه خطرناک است.

شما هم نظر بدهید خانم عیدوستی و کنش سیاسی داشته باشید. با این قضیه کسی مشکلی ندارد اما حتما خودتان هم به گوش‌تان خورده که مردم گلابه می‌کنند چرا سلبرتنی‌ها در هر حوزه‌ای بدون تخصص لازم نظر می‌دهند. لاف‌لاف درمورد شهرت هم می‌شود گفت همه حق نظر دادن دارند. اما مشکل از جایی بی‌خبرد که کسی به‌خاطر شهرتش در حوزه‌های دیگر مثلاً ورزش یا سینما یا موسیقی درخصوص مسائل سیاسی می‌شود پاسخگو کرد؟ در چه چرخه‌ای می‌توان او را مهار و کنترل کرد؟ در سیاست هم همین است. سلبرتنی‌هایی که به یک یاد خارج از حوزه تخصصی‌شان یعنی برای آن خورده‌اند نظر بدهید! اما التیاری ندارد، اما ایراد جایی ایجاد خواهد شد که مثل پزشک، البته می‌ایند که تخصصش را داشته‌باشد شروع به توصیه و تجویز کند. داریم به نکته طریقی نزدیک می‌شویم که مغز ما چرست. پزشک همه ممکن است تجویز اشتباه کند. چه اشکالی دارد اگر یک شهروند معمولی همان طور باید و تجویزهای اشتباه‌الهی بدهد؟ مساله اینستاس که پزشک دادن تجویز قرار گرفته که در صورت اشتباه کردن می‌توان او یا پاسخگو کرد یا از او به‌جای خاصی شکایت کرد. اما اگر یک شهروند معمولی تبلیغ یا تجویز اشتباهی در حوزه پزشکی داشت و منشا ضرری برای نداشت، به چه خطری می‌شود او را نسبت به این اشتباه محرز داشت یا پاسخگو کرد یا اگر خطایش برگزیند و آگاهانه بود، به محکمه کشاند؟ حال اگر آن شهروند شهری در حوزه‌ای غیر از آنچه درباره‌اش اظهارنظر می‌کند داشت باشد و همین شهرت تأثیرات صحبت‌هایش

دوره‌ات که تمام شد زیر میز بازی نزن!

آیا این بار اول است که تصویر بدون حجاب یک بازیگر ایرانی پس از انقلاب دیده می‌شود؟ خیلی از خانم‌های بازیگر ایرانی چه در داخل و چه در خارج از کشور با چنین پوششی دیده شده‌اند و بعد دوباره به کارشان در داخل ادامه داده‌اند. ترانه عیدوستی هم تصویر غافلگیرکننده‌ای از خودش به ما نشان نداد. فقط یک چیز که فیکوری آشنابرای ایرانی‌ها در این چند سال اخیر بود، در این تصویر وجود داشت که حساسیت‌ها را برانگیخت. عیدوستی کاغذی در دستش گرفته بود که روی آن به زبان کردی نوشته شده بود. «زن زندگی آزادی». همین تابلو را همین شکل از ایستادن جلوی دوربین، در چندسال اخیر خیلی‌ها از جمله رسانه‌های بی‌دین در دست‌شان گرفته‌اند و روی آن نوشته بودند نه به جمهوری اسلامی... این هم بالاخره دورانی است. دورانی که لمپن‌ها و افرادی که دارای عقده‌های شخصی و اکثراناموجه و بی‌بطیه هستند، در یک غوغای تحریک و بی‌هدف، همه این رفتارهای لجن‌پویی و عقده‌های شخصی را به آن غوغا پیوند می‌دهند تا هویت جمعی پیدا کنند و رنگ و بوی سیاسی بگیرند.

در این دوران است که می‌شود چنین خطوطی از هنرها را رد کرد اما وقتی شرایط، طبق اعتدال‌زالی و بلندی تاریخ دوباره به حالت نرمال و طبیعی برگشت، خیلی از چهره‌ها به وضعیت براندازانه برگشته‌اند. کجاست که می‌تواند این حرکت ترانه‌عیدوستی که هنوز آن دورویی و دل‌پوشه سابق را نگه داشته، به طر عجیبی از طرف عدای به‌خصوص حمایت شد. او نه مثل ترانه‌عیدوستی یا مینا آثار افشار از کشور گرفته و بعد آن‌ها را در داخل ایران رده و نه مثل دانیال دیگری از هنریپش‌های ایرانی صرفاً اعتراضی است که مواظب چهار چوب‌های قانونی است. او در داخل ماند و یک فیلم در دیوپی اکران هم دارد اما به شکل دودپلو لحن براندازانه گرفته‌است. کجاست حجاب او که... در روزی از شروع اعتراضات به مرگ مهسا آملینی انجام‌شده به‌عدای صدای تازه و انگیزه‌ای برای به میان میدان آمدن داد که مدتی خاموش و متغعل شده بودند. کسانی که مدافعان پرزوه‌هایی مثل شهرداد و جاسمین سرخست‌لی‌های سقزانی و جشنواره‌ای در سینما بودند، اما چندین رسوایی بیایی مثل همین پرورنده بانک سرمایه یا سیاسی‌کاری واضع و پرمسأله چند جشنواره خارجی، بساط‌اشان را از هر توضیح و استدلالی خالی کرده بود و متغعل مانده بودند.

عدای از اصحاب رسانه که خیلی از آنها هم در داخل کشور مشغول به کار هستند یا مدتی و از همان جناح سیاسی که عیدوستی حامی‌اش بود ساپورت مالی می‌شدند و بودند می‌شد که به خلأ گفتنی‌ای وی آبرویی‌های پس از رسوایی‌های مالی برخورد بودند، حالا وسط این جو داد جامعه، کشف حجاب ترانه عیدوستی را بهانه‌ای برای علم کردن دوباره

فرهنگ

یکشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۱ شماره ۳۷۷۲

۱۲

ادامه از صفحه ۱۲



حتی بعد از واضح و بدیهی شدن اشتباهات نان پاسخگو کرد. از زمان کمپین دنه به شهرزاد، تابه‌حال، شمار مرتب برای سوال‌های بسیار مهمی مورد خطاب قرار گرفته‌اید که به هیچ کدام وقتی نگذاشتید. اینها هیچ کدام مسائل ساده‌ای نبودند، اما هیچ‌چیز نمی‌شد شما را گیر آورد و درباره‌شان ازتان پرسید.

دوئالد ترامپ را یادمان هست که در اوج پاندمی کرونا توصیه‌هایی عجیب‌وغریب به هودارانش می‌کرد. شهرت و تأثیرگذاری این آدم یعنی دوئالد ترامپ از جایی غیر از پولی، بخشی از چرخه یک اقتصاد سیاسی فاسد بود که تلاش داشت برای خودش ظاهری خصوصی و منتقد حکومت بسازد، اما منابعش در واقع به شکل غیرقانونی از بیت‌المال همین کشور تأمین می‌شد. شوخی نیست که از چنین چرخه‌ای تمام‌وقت دفاع کنید و وقتی حقیقت روشن شد، حاضر نباشید هیچ پاسخی بدهید. اگر ثابت می‌شد که محمد امامی بی‌گناه بوده و منابع مالی شهرزاد هم سالم هستند، آیا همچنان ساکت می‌ماندید یا نطق‌تان باز می‌شد؟ وقتی در دفاع و حمایت از پیوند یکی از جناح‌های سیاسی ایران یا یکی از احزاب سیاسی آمریکا یعنی پیوند اعتدال‌یون با دموکرات‌ها، ممنوعیت ورود خودتان به آمریکا طبق قانون مهاجرت ترامپ را به‌عنوان مبارزه با نژادپرستی فروختید، کلی سوال برای همه پیش آمد که بعد از مدت‌ها بازی کرده‌بودید، به‌خبرنگاران آمریکایی گفتید درباره‌ورزش صحنه شما فیلم بازی کرده‌اید که در ایران برای زنان ممنوع است و فدراسیون شتای بانوان ایران با چشوه‌های گردشده پاسخ داد که پس این همه مدال و افتخاری که بانوان ایرانی در رشته‌شما کسب کرده‌اند چه می‌شود، شما چه پاسخی دادید؟ به کی پاسخ دادید؟ درباره جنبش ایرانی می‌نو و رفتارها و اظهارنظرهای شما هم دنبایی از تناقضات و ابهامات پیش آمد، اما کدام منتقدی دستش به شما رسید که یکی از این

پروژه ناتمام ۸۰۰ زن به کجا رسید؟

فروردین ماه اسما، حدود ۸۰۰ زن از دست اندکاران سینما یا صدور و امضای ابیهیه زنان دست‌اندرکار سینما در اعتراض به خشونت علیه زنان در این عرصه، خواستار تشکیل کمیته‌ای برای رسیدگی به شکایات زنان درباره خشونت‌های جنسی در سینما شدند و زنه‌یات تصمیم بر آن شد تا رسیدگی به مطالبات زنان و خشونت و آزار علیه فعالان زن در سینما توسط کمیته مستقل پیگیری شود. زنه‌یات ترانه عیدوستی، سمیه تهرشمسی، غزاله معتمد، هالیه توسلی و مارال جبرانی به‌عنوان پنج نفر عضو کمیته رسیدگی به خشونت جنسی در سینمای ایران انتخاب شدند.

کمیته‌ی که به‌راه افتاده بود حالا تبدیل به پروژه نیمه‌تمامی شده است که حتی ترانه عیدوستی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گردانگذاشت، جولایگوی طرح اتهاماتی که زده‌بود، نیست. ظاهراً این جنبش نتوانسته و دیگر نمی‌تواند هیچ‌چیز کدام از اهداف خودش را پیش ببرد و از حد طرح اتهام به چند نفر از سرمدان و بخش‌های دیگر هنری جلودتر نرفت. از همان ابتدای راه افتادن این جنبش اعتراضی، حمایت‌هایی از جانب دولت نسبت به اعتراضات واقعی بخشی از زنان سینمای ایران مطرح شد، اما همچنان نسبت به این مساله، این هشتاد داد شده که این اعتراضات به‌شدت افتادن در باتلاق ابتذال و سطحی‌انگاری رسانه‌ای است. گردانندگان این پروژه ناتمام گویا فقط به دنبال بهره‌برداری مقطعی آن هم در حد جنجال رسانه‌ای بودند و همین باعث شد که خیلی از فرباده‌های حقوق نسبت به این تمیزش جنسیتی به گزراه کشیده شود. عدم درایت و تدابیر هوشمندانه در طرح جدول در این باب گریه‌های جنسی، شتمن جنس به این شد که این جنبش اعتراضی به فضایی علیه خود بدل شود. نقطه اوج این بحران‌ها زمانی بود که صفحه اینستاگرامی تحت‌عنوان می‌توان ایران، که خودش را منتسب به جریان اعتراضی زنان ایران معرفی می‌کرد، وادی‌هایش بدون اثبات از تعرض‌های جنسی در سینمای ایران منتشر کرد. مسیری که این صفحه اینستاگرامی انتخاب کرده بود، ارائه گزارش‌هایی با باب‌وتاب از تعرض‌های جنسی صورت‌گرفته بود و قرار نبود به جنبشی کمک کند که در داخل کشور به‌دنبال احقاق مطالبات زنان است. اتفاقات هرچه پیش می‌رفت این گزاره بیشتر اثبات می‌شد که مسیر طرح مطالبه حقوقی

بسیار پریچرخ‌وخم است و این جنبش اعتراضی به خاطر بی‌تدبیری گردانگذاشت به‌شدت در معرض افتادن به دامچاله ابتذال و سیاست قرار گرفته بود. اعضای این جنبش فقط به‌دنبال اهداف رسانه‌ای ایران بودند، یاد هر چه سریع‌تر تغییر وضعیت می‌دادند و بعد از اینکه از موضع بیانیه و اطلاعیه دادن خارج شدند، مسیر را برای فرآیند اجرائی و حقوقی مطالبات زنان هموار می‌کردند. البته این مهم تا به امروز محقق نشده است و کمیته پنج نفره در وارس آن هم محقق نشده است چون عیدوستی هم نتوانسته حقوقی و دستگاه‌های قضایی را با خود همراه سازند.

یکشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۱ شماره ۳۷۷۲

۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

ادعای عجیب عیدوستی درباره ورزش زنان

ترانه عیدوستی در فیلمی به نام «اوکا نقش یک ورزشکار زن را بازی کرده است. او اسفندماه سال گذشته برای اکران این فیلم به آمریکا سفر کرده بود و روی فرش قرمز جشنواره سانتا باربارا آمریکا مدعی شد در ایران هویت ورزشی برای بانوان وجود ندارد و شنا برای زنان ایران رسماً ممنوع است! این اظهارات عیدوستی در حالی مطرح می‌شد که فدراسیون شنا علاوه‌بر بخش مردان، همیشه برگزاری مسابقات شنا را در رده‌های پایه و بزرگسالان و باشگاه‌ها و تیم ملی برای بانوان در استان‌های مختلف در نظر داشته است. روز یکی از آنهاست. او را نگه داشته بودند که حالا خرج کنند و این وضع پرغوغا از تابی‌برد که شننا در ایران ممنوعیتی ندارد. عیدوستی نسبت به نگاه سیاسی رسانه‌های غربی به جامعه ایران بی‌اطلاع نیست و به‌خوشحاند چنین نگاهی. تصویر داخواهش را از جامعه ایران ارائه می‌دهد اما مسوال اساسی این است که او تا چه حد می‌تواند واقعیت‌هایی که در جامعه ورزش زنان ایران شکل گرفته است را نادیده بگیرد. این نادیده گرفتن بیش از اینکه متوجه محدودیت‌های ورزشی زنان در ایران باشد، درحقیقت ندیدن بخش مهمی از افتخارات ورزشی زنان ایرانی در تمام این سال‌ها است. البته آن چیزی که عیدوستی از محدودیت برای زنان ورزشکار طرح می‌کند بیشتر متوجه آن نگاهی است که در سال‌های پیش از انقلاب برای ورزش زنان وجود داشت. اما رجوع به آمارها نشان می‌دهد که انقلاب ایران فرصت و امکانی را فراهم کرد تا بخش کثیری از جامعه زنان ایران در حوزه‌های مختلف ورزشی حضور یابند. براساس آمار، در سال‌های قبل از انقلاب، ۶ مریی و هفت داور زن در کشور وجود داشت و هفت رشته ورزشی در حوزه زنان فعال بود، همچنین تنها یک مجموعه ورزشی متعلق به زنان بوده اما پس از پیروزی انقلاب و در زمان کنونی بیش از ۴۰ رشته ورزشی فعال در حوزه زنان وجود دارد و بیش از ده‌ها هزار مربی و داور زن در کشور فعالیت می‌کنند و بیش از ده‌ها مجموعه ورزشی مختص زنان وجود دارد. قبل از انقلاب در تمام دوره‌های المپیک تنها هشت بانوی ورزشکار حضور داشتند. عیدوستی در حال‌است که در حالی است که ۲۰۲۰ توکیو، ۱۱ نفر از بانوان ورزشکار در گراون تیم کشورما حضور داشتند. علاوه‌بر این فتح قله‌اورست از سوی بانوان ورزشکاران ایرانی نیز یکی از نقاط عطف ورزش بانوان بود. همچنین امروز بانوان ایرانی در سلیقات مختلف انفرادی و تیمی فعال هستند در عرصه‌های بین‌المللی نیز حضور پررنگی دارند. بانوان در بخش‌های مدریتی ورزش نیز جای خود را باز کرده‌اند. حضور در راس فدراسیون‌های ورزشی، پست‌های مدریتی در وزارت و در سطوح مختلف ورزش از جمله این موارد است.

هنوز منتظریم پاسخ بدهید خانم شهرزاد



اواخر بهار سال ۱۳۹۸ افکار عمومی در حالی به استقلال دادگاه‌های بانک سرمایه می‌رفت که مدت‌ها بود با بحث پوششویی در سینما و شبکه نمایش خانگی از اختلاس و صندوق ذخیره فرهنگیان توسط افرادی از فیلم‌حسین هدایتی، هادی‌رضوی و محمدامدی آشتیانی پیدا کرده بود. احسان دلاویز نام جدیدی بود که حالا در کنار آن افراد در جریان دادگاه‌های بانک سرمایه مطرح می‌شد.

او البته جزء برادران دلاویز بود که در نفت و صندوق‌های بان‌زشتگی، افراد شناخته‌شده‌ای هستند و او دوران نامشروع خود را با فعالیت در یک شرکت مشاوره می‌کردند. حالا صدور حسین هدایتی و وفالرت کبیرخواست‌های رضوی که در آن آشنائی به احسان دلاویز و محمد امیدی هم می‌شد، تقریباً چون و چراپی برای انکار باقی نگذاشته بود. او دانه دانه دارسی‌ها را هم در حالت تعلیق قرار دایم و برای روشن شدن این قضیه نیاز است به آقای امامی اعلام جرم شود هم دادگاه‌مان تشکیل شود هم

ما به‌اشان دسترسی داشته باشیم تا بفهمیم تکلیف چیست... عیدوستی اما حالا که هنگامه پاسخگویی بود، سکوتی عجیب داشت. این هم گذشت و حتی دادگاه‌ها به فصل هفتم محکومیت امامی رسید و اسم شهرزاد هم علناً مطرح شد اما عیدوستی دیگر زبان باز نکرد و هیچ پاسخی به موج پرسش‌ها و انتقاده‌ها نداد.

فرهنگ

نگاهی به جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت

جشنواره‌ای برای تمام فصول

مرحله پذیرش، تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام دادیم تا به شناخت دقیقی از نمایش رادیویی برسیم که امیدواریم تجربه اول ما مورد قرض قرار بگیرد. وی به مضمون نمایش «گره آخر» پرداخت و با بیان اینکه قصه این نمایش یک داستان عاشقانه دارد، افزود: «داستان کار ما مربوط به دختر و پسر جوانی است که بعد از اینکه فقط هفت روز از قدقشان می‌گذرد، پسر به جبهه می‌رود و سپس جبری از او می‌شود. دختر در این داستان دچار افسردگی می‌شود و در خیالش با این جوان ازدواج می‌کند و همه آن زندگی را که قصد داشت در واقعیت بسازد را در خیال تصور می‌کند. در این موقعیت به تهدیدی که جنگ برای هر کشوری می‌تواند به‌وجود بیاورد می‌پردازیم که

ما نیز در این شرایط دوران دفاع مقدس را سپری کردیم و هنوز افراد زیادی هستند که منتظر فرزندان‌شان هستند تا از جنگ برگردند. انتظار و سختی‌ای که برای مادران و دلداران و زنانی که همسران‌شان را از دست داده‌اند، محور این نمایش است. کارگردان نمایش رادیویی «گره آخر» درخصوص ظرفیت رادیو برای پرداختن به نمایش و موضوع مقاومت گفت: «اضافه شدن بخش رادیونمایش به جشنواره تئاتر مقاومت می‌تواند نوید این باشد که گروه‌هایی که ارتباطی با رادیو ندارند نیز می‌توانند در این زمینه فعالیت کنند و ظرفیت تئاتری‌های کشور به ظرفیت رادیو اضافه شود. در گذشته شناخت از نمایش رادیویی فقط برای کارشنه‌های رادیو بود اما این فعالیت بستر ارتباط با رادیو خواهد بود و معتقدیم دیدار مختلف کشور همراه بود. روز پنجشنبه ۱۹

کرده است لذا اضافه شدن بخش رادیوتئاتر به جشنواره مقاومت مهم و جذاب است چراکه مخاطبان زیادی وجود دارند که رادیو را دنبال می‌کنند، به‌عابر همین پرداختن به مفاهم ایثار و شهادت در این بستر می‌تواند انگ‌زاد باشد.»

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...